



لوح فاطمه (س) چیست و با مصحف فاطمه (س) چه تفاوتی دارد

حجت الاسلام سید محمد طباطبایی در سومین درس گفتار «میراث علمی حضرت زهرا (س)» گفت: محتوای «لوح فاطمه» خیلی دقیق گزارش نشده است ..

حجت الاسلام سید محمد طباطبایی در سومین درس گفتار «میراث علمی حضرت زهرا (س)» گفت: محتوای «لوح فاطمه» خیلی دقیق گزارش نشده است و روایت ها با یکدیگر متفاوت است؛ جابرین عبدالله انصاری که راوی این موضوع است می گوید «من بر فاطمه زهرا (س) وارد شدم در حالی که در محضر ایشان لوحی بود که اسماء اولیا و اوصیا و ۱۲ تن در آن وجود داشت».

به گزارش ایکن، جایگاه والا و شامخ حضرت زهرا (س) به عنوان دخت نبی اکرم (ص) و مادر حسنین (ع) در منابع شیعی و اهل سنت مشخص است و همگان به آن اذعان دارند از همین روی در طول تاریخ اسلام مطالب و منابع متعددی درباره این بانوی بزرگوار تولید شده است که آن را می توان میراث علمی حضرت زهرا (س) تلقی کرد که معرفی، بررسی و تشریح این میراث برای علاقه مندان اتفاق مهم و ارزنده ای است.

حجت الاسلام سید محمد طباطبایی در سلسله درس گفتارهایی که به همت مؤسسه پرسمان برگزار شده به موضوع «میراث علمی حضرت زهرا (س)» پرداخته است که به مناسبت ایام ولادت ایشان، متن جلسه سوم این درس گفتار را در ادامه می خوانیم؛

بخش اول این درس گفتار را با عنوان «جذب دوستان و دشمنان با شرح مناقب و منزلت حضرت فاطمه (س)» و بخش دوم را با عنوان «علت اندک بودن روایات حضرت زهرا (ع)» بخوانید.

میراث علمی حضرت فاطمه زهرا (س) را می توانیم در سه بخش دنبال کنیم؛ بخش اول آثاری است که درباره حضرت وجود دارند و بخش دوم آثاری که منسوب به ایشان است و بخش سوم آنچه که از روایات حضرت برجای مانده است که از آن تعبیر مسند فاطمه می کنیم.

آنچه که در منابع حدیثی و روایی اهل سنت از حضرت زهرا (س) روایت شده از نظر کمیت بسیار اندک و انگشت شمار است. فردی از اهل سنت کتابی به نام «المختصر فی اخبار فاطمه (س) بنت سیدالشر» نوشته است که در این کتاب اقوال محدثین را آورده است که روایات از حضرت کم است و می گوید که «شیعیان، اهل سنت را به دلیل اندک بودن روایات حضرت زهرا (س) مذمت کردند.» او از اهل سنت دفاع کرده است که همین مقدار روایاتی که نقل کرده اند به سند متصل بوده است اما شیعیان حتی یک حدیث به سند متصل در مجموعه های حدیث خود به حضرت زهرا (س) ندارند و همه این موضوعاتی که نقل می کنند که لوح و مسند داشته است دروغ است.

نکته ای که باید در ابتدا بیان کرد این است که وقتی در اصطلاح علم حدیث به مطالبی «مسند» گفته می شود؛ منظور حدیثی است که سلسله سند آن به یکی از صحابه متصل شود و مسندنگاری نوعی از تدوین حدیث است و فردی که می خواهد احادیث را جمع کند باید شکل و قالبی داشته باشد. گاهی موضوع بندی می شود؛ مانند احادیث فقهی که درباره نماز، وضو، روزه، زکات و... نقل شده است که به آن مصنف گفته می شود و هر کدام در بخش های مخصوص به خود آورده می شود.

گاهی نیز ما توجهی به موضوع حدیث نداریم و می خواهیم بدانیم سر سلسله حدیث چه کسی است که از پیامبر (ص) روایت نقل می کند که به آن مسند می گوئیم مانند «مسند الاحمد» یعنی احمد بن حنبل که امام حنبله است که کتابی تدوین کرده است که بر اساس روایان اول بوده است.

کتاب هایی را که علمای شیعه مدون کردند به صورت اعم است یعنی روایاتی را در آن جمع کردند که اعم از آن است که راوی اصلی آن حضرت زهرا (س) باشند یا درباره ایشان از سوی کسان دیگر نقل شده باشد؛ مثلاً اگر امام صادق (ع) یا صحابه و تابعین درباره حضرت زهرا (س) حدیثی گفته اند آن را در مسند نیز آورده اند البته این موضوع اختصاص به ما ندارد و افرادی مانند سیوطی و نیشابوری نیز در مسند خود همین گونه عمل کرده اند.

موضوع دیگر منقبت نگاری است که هم اهل سنت و هم شیعیان منقبت نگاری دارند. منقبت نگاری گونه ای از تنظیم و تدوین حدیث است که بر اساس مناقب است و به این دلیل مناقب مورد توجه است که جایگاه شخصی را نشان می دهد؛ مثلاً اگر ما

قائل به این هستیم که حضرت علی(ع) افضل بر دیگران است باید دستاویز و مستندات داشته باشیم و مستند، احادیثی است که در منقبت حضرت روایت شده است. این احادیث می تواند به نحو عام جزو فضائل محسوب شود یا به نحو خاص باشد یا اختصاصاً مربوط به یک فرد باشد و کسی در آن منقبت شریک نباشد.

ما برای اینکه جایگاه حضرت زهرا(س) و منزلت بالای ایشان را تبیین کنیم به احادیثی که درباره منقبت و فضائل ایشان روایت شده است تمسک می کنیم. مرحوم آیت الله عزیزالله عطاردی، اثری به نام «مسند فاطمه زهرا» دارند که بیش از ۶۰۰ صفحه است و بسیاری از احادیث را از طرق مختلف جمع کرده اند. فرد دیگری به نام حسین شیخ الاسلامی تویسرکانی و محمد دشتی نیز در همین حد و حجم، روایاتی را جمع کرده اند و اگر بخواهیم به منابع کهن بازگردیم کتاب «دلایل الامامه» ابن رستم طبری امامی نیز در بخش اول به حضرت زهرا(س) پرداخته است که حالت مسند گونه دارد. در کل کتاب های بسیاری درباره حضرت زهرا(س) وجود دارد که در کتابنامه ها نیز بیان شد.

برخی از آثار وجود دارد که نام مبارک حضرت صدیقه(س) بر روی آنها گذاشته شده است؛ عنوانی در روایات وجود دارد که به «لوح فاطمه» معروف است. لوح با ورق و کاغذ و قرطاس متفاوت است که به چوب یا استخوان پهن گفته می شود که در گذشته بخشی از نوشته ها بر روی لوح نگاشته می شد. این لوح به دلیل اینکه درباره حضرت زهرا(س) است به نام لوح فاطمی مشهور شده است.

ابوالفضل کراچکی عالم بزرگ شیعه که متوفای ۴۴۹ قمری در قرن پنجم و از متکلمان بزرگ شیعه است در کتاب «الاستبصار فی نص علی ائمه الاطهار(ع)» مدعی شده است که تمامی شیعیان بر صحت «لوح فاطمه» اتفاق نظر دارند؛ یعنی تا آن زمان از منظر فرد صاحب نظری چون ایشان چنین نگاهی وجود داشته است.

محتوای «لوح فاطمه» خیلی دقیق گزارش نشده است و روایت ها با یکدیگر متفاوت است. جابرین عبدالله انصاری که راوی این موضوع است می گوید «من بر فاطمه زهرا(س) وارد شدم در حالی که در محضر ایشان لوحی بود که اسماء اولیا و اوصیا و ۱۲ تن در آن وجود داشت» محتوای این لوح از سوی کمال الدین صدوق نقل شده است و ابوبصیر در کتاب «کافی» مرحوم کلینی آورده است که امام صادق(ع) می فرماید که «پدر من، امام باقر(ع) از جابر می پرسد آن لوحی که تو در دست مادرم حضرت فاطمه(س) دیدی؛ مادرم چه چیزی درباره آن لوح به تو گفت و برای من بازگو کن» که جابر توصیفات آن لوح را بیان می کند. امام نیز بیان می کند اگر در کل عمر خود فقط همین یک روایت را شنیده بودی کافی بود و مراقب باش که این روایت را فقط برای افرادی که اهل هستند نقل کنی.

کتاب دیگری که وجود دارد «مصحف فاطمه(س)» است که روایات متعددی درباره چیستی این مصحف وجود دارد. روایت است که جبرئیل یا ملک یا پیامبر(ص) بر حضرت زهرا(س) مطالبی را املاء کرده است و امیرالمومنین(ع) آنها را نگاشته است. سوالاتی درباره کیستی فردی که املاء کرده، فردی که آن را نوشته، محتوای مصحف و سرنوشت آن وجود دارد که باید تبیین شود. تبیین این موضوعات نیز مبتنی بر روایات است و به دلیل تعدد روایات اقوال علما نیز مختلف است؛ اینکه گفته می شود «مصحف فاطمه(س)» در روایات از سوی ائمه(ع) بسیار تاکید می شود که «مصحف» به معنای قرآن نیست و حتی امام معصوم قسم یاد کرده است که یک آیه از قرآن هم در این مصحف نیامده است.

جبهه مقابل تشیع به گونه ای می خواهند شیعیان را متهم کنند که قرآنی دارند به غیر از این قرآنی که مورد قبول همه مسلمانان است و مصحفی که در دست شیعیان است سه برابر حجم فعلی قرآن است و شیعیان قائلند که دو سوم قرآن حذف شده است. این موضوع مبتنی بر این است که آنها «مصحف فاطمه(س)» را مساوی با قرآن گرفته اند و بر همین اساس نتیجه گیری کرده اند که مرحوم علامه امینی در جلد سوم کتاب «الغدیر» به تعدادی از کتاب هایی که حرف های واهی و موهوم علیه شیعه زدند و تهمت های ناروا گفته اند را نقل می کند و پاسخ داده است.